

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

Bloomberg

نابود کردن دهه‌ها نظارت هسته‌ای

از پایان جنگ سرد تاکنون، ایالات متحده میلیاردها دلار برای حسابرسی گرم به گرم اورانیوم در سراسر جهان هزینه کرده‌است. آمریکا به نهادهای نظارتی و نشست‌های امنیتی در سراسر جهان پول پرداخت کرده‌است و مستقیماً ۷۰۰۰ کیلوگرم از مواد رادیواکتیو را از ۴۷ کشور جهان خارج کرده‌است تا احتمال استفاده از آنها را در تسلیحات هسته‌ای از بین ببرد اما روز ۱۲ ژوئن، تمام این تلاش‌های چندین دهه‌ای یک‌شبه دود شد و به هوا رفت. حتی اگر حملات اسرائیل آسیب اساسی به توانمندی‌های ایران برای تولید سوخت هسته‌ای جدید وارد کرده‌باشد، اما رصد و نظارت بر ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران را از بین برد. براساس آخرین حسابرسی‌ها ایران ۴۰۹ کیلوگرم ماده غنی‌شده نزدیک به مواد لازم برای ساخت تسلیحات و ۸۰۰۰ کیلوگرم اورانیوم کمتر غنی‌شده در اختیار داشت. محل قرار گرفتن این مواد از زمان آغاز حملات نامشخص است. ایران هشدار داده‌بود که در صورتی که مورد حمله واقع شود، این مواد را به جای امنی منتقل می‌کند. از آنجا که از سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم که ایران به غنی‌سازی اورانیوم اقدام کرد، دیدبان سازمان ملل متحد برای نخستین بار از بازرسی منع شده‌است، این امکان وجود دارد که ایران مواد خود را به تأسیسات پنهانی برده باشد. اسرائیل و آمریکا یا ناتوانی در محاسبه میزان یا از بین بردن کامل ذخایر ایران، زمینه برای ابهام‌راهبردی ایران را فراهم کرده‌اند، ابهامی که قبل از جنگ وجود نداشت و اگر مذاکرات بالقوه‌ای در آینده از سر بگیرد، ایران از این ابهام می‌تواند به عنوان یک اهرم فشار استفاده کند. سوال اینجاست که چگونه می‌توان به این اقدام ایران واکنش نشان داد؟ سه سناریو برای مواجهه با این ابهام وجود دارد. نخست تشدید حملات نظامی تا ایران را وادار کند که ذخایر خود را به روی بازسان بگشاید.

دوم مذاکره، که ایران را اقناع کند که اجازه بازرسی دهد. و گزینه سوم انتظار است، که منتظر به‌انیم و ببینیم که چه رخ خواهد داد. ایده ابهام استراتژیک در دوران جنگ سرد ایجاد شد. توماس شیلینگ، اقتصاددان برنده جایزه نوبل از این عبارت برای مدیریت عدم قطعیت ناشی از عصر هسته‌ای استفاده کرد. در واقع این ایده ابزاری برای اندازه‌گیری مخاطره و تهدید است و اجازه می‌دهد که از حدس و گمان برای ارزیابی میزان توانمندی و نیت استفاده شود تا جلوی ورود به یک جنگ گسترده را بگیرد. برای مثال اسرائیل از ابهام استراتژیک برای ایجاد تصویر مبهم از زادخانه هسته‌ای اش استفاده کرد و عملاً وجود آن را نه رد و نه تایید نکرد. هر چند نهادهای اطلاعاتی می‌توانند با استفاده از جاسوس‌ها و تحلیل تصاویر ماهواره‌ای تا حدی ابهام را از بین ببرند، از بین بردن کامل ابهام نیاز به دیپلماسی یا استفاده از زور دارد. دلایل این است که مواد هسته‌ای به اندازه خاصی از راستی آزمایی فیزیکی نیاز دارند تا تضمین شود که برای استفاده نظامی منحرف نمی‌شوند. برای ساخت یک بمب هسته‌ای به کمتر از ۲۵ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده در سطح بالا نیاز است. بر اساس آخرین حسابرسی‌ها ایران در سطوح مختلف اورانیوم غنی‌شده داشت که مجموع آنها برای ساخت دست کم ۲۰ بمب اتمی کافی بود. میزان ابهامی که آمریکا و اسرائیل تاب‌آوری تحمل آن را دارند، نقش اساسی در اقدامات پیش روی آنها تا پایان سال جاری میلادی خواهد داشت. مسئله‌ای که سیاست‌گذاران دو کشور با آن مواجه هستند، این است که دقیقاً حاضر هستند چه میزان از مواد هسته‌ای ایران را به بخت و اقبال بسپارند. با توجه به اظهارات ترامپ مبنی بر نابودی کامل برنامه هسته‌ای ایران، احتمالاً آمریکا و اسرائیل دست به اقدام نظامی بیشتری زنند. در چنین شرایطی مقام‌هایابید در برابر سطح زیادی از ابهام تاب‌آوری داشته‌باشند، چرا که میزان موادی که آخرین بار برآورد شد در اختیار ایران است، تا هزاران سال دیگر برای استفاده در تسلیحات هسته‌ای قابل بهره‌برداری است. گزینه دیگر این است که اسرائیل و آمریکا ایران را وادار به همکاری کنند. چنین گزینه‌ای نیاز به استفاده از نیروی نظامی زمینی دارد. حتی با قوی‌ترین اسلحه‌های جهان هم حمله هوایی صرف‌نمی‌تواند ابهام در مورد وضعیت ذخایر ایران را برطرف کند. یک گزینه دیگر ابهام مورد پذیرش طرفین یا ابهام مذکره شده‌است. در این وضعیت مجموعه‌ای از ابزارهای کنترل از راه دور، روش‌های آماری و راستی‌آزمایی میدانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این دقیقاً همان کاری است که بازرسان دقیقاً قبل از حمله انجام می‌دادند و نتایج آن را هر سه ماه یک بار منتشر می‌کردند.

دیپلماسی



DIPLOMACY



عکس: ایرنا

مناره

پیش‌نیاز کنسرسیوم

طرحی برای همکاری هسته‌ای کشورهای منطقه

کنسرسیوم سوخت هسته‌ای، بار دیگر در مرکز توجه رسانه‌ها قرار گرفته‌است. اما پیش از این نیز این پیشنهاد از سال‌های نخست مذاکرات هسته‌ای ایران مطرح شده‌بود. برای مثال سال ۱۳۸۶، سعود الفیصل، وزیر وقت خارجه عربستان سعودی، پیشنهاد داد که یک کنسرسیوم سوخت هسته‌ای با مشارکت کشورهای منطقه در یک کشور بی طرف مانند سوئیس ایجاد شود اما پیشنهاد قرار گرفتن صنایع غنی‌سازی خارج از خاک ایران هیچگاه توسط ایران مورد پذیرش قرار نگرفته‌است. در حالی که طرف‌های خارجی کنسرسیوم را ابزاری برای خارج کردن صنایع غنی‌سازی از ایران می‌دانند، ایران کنسرسیوم را ابزاری برای نظارت بیشتر و اعتمادسازی در مورد برنامه غنی‌سازی بومی خودش تلقی می‌کند. اختلاف‌نظر در مورد محل قرار گرفتن تأسیسات غنی‌سازی، باعث شده‌است که به‌رغم چندین بار مطرح شدن این پیشنهاد، هرگز فرصت عملی شدن آن پیش نیاید. اما طرح جدید وزیر خارجه پیشین ایران، یک ویژگی خاص دارد و آن هم زمینه‌سازی برای همکاری‌های علمی و فناوری میان کشورهای منطقه است. تا پیش از این یکی از انتقادهای مطرح در مورد طرح کنسرسیوم، این بود که در حال حاضر نته‌تها میان ایران و کشورهای عربی، بلکه حتی در میان کشورهای



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

محمدجواد ظریف و محسن بهاروند، وزیر و معاون پیشین وزارت امور خارجه در مقاله‌ای که روز پنج‌شنبه در روزنامه گاردین منتشر کردند، پیشنهاد تشکیل یک نهاد جدید منطقه‌ای برای توسعه همکاری‌های هسته‌ای میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را مطرح کردند. این طرح یکی از تازه‌ترین نمونه‌ها از پیشنهاد همکاری هسته‌ای در منطقه خاورمیانه است که به نوشته نویسندگان آن بیش از نیم قرن است که مطرح شده‌است. هر چند طرح خاورمیانه‌ عاری از سلاح‌های هسته‌ای به‌عنوان نخستین پیشنهاد مشترک هسته‌ای منطقه در سال ۱۹۷۴ هرگز عملی نشد و اسرائیل به‌عنوان تنها دارنده سلاح هسته‌ای در منطقه مانع اجرای این طرح شد، اما با بالا گرفتن بحث در مورد پرونده هسته‌ای ایران، مسئله کنسرسیوم هسته‌ای در منطقه بارها و بارها تکرار شد. در ماه‌های اخیر و پس از آغاز مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا با تسهیل‌گری عمان، مسئله

علی‌اکبر صالحی وزیر پیشین امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

ردای جدید بر تن کنسرسیوم

ایده کنسرسیوم سوخت هسته‌ای قدمتی به تاریخ برنامه هسته‌ای ایران دارد

ملی ایران قرار داشته‌باشد.

«در این دوران خواست ایران کل چرخه سوخت هسته‌ای بود یا فقط مسئله بازفرآوری سوخت مصرف شده مایه اختلاف ایران و آمریکا بود؟

مذاکرات اساساً در مورد چرخه کامل سوخت هسته‌ای بود. محبت بخش ابتدایی چرخه سوخت مورد اختلاف بود که از اکتشاف و استخراج معادن، فرآیندهای تبدیلی، غنی‌سازی و ساخت میله‌های سوخت بود. آمریکایی‌ها به این کار رضایت ندادند و خیلی مانع ایجاد می‌کردند. دکتر اعتماد رئیس وقت سازمان انرژی اتمی هم راه‌های مختلفی را امتحان کرد تا این مسئله را حل کند، اما نهایتاً این پروژه به زمان انقلاب اسلامی رسید و مسئله موقتاً تعلیق شد.

«بعدها باز هم مسئله کنسرسیوم مطرح شد؟

زمانی که در ابتدای دهه ۱۳۸۰ بار دیگر پرونده هسته‌ای ایران مورد مناقشه واقع شد، برای برون رفت از بحران ساختگی که برای ما درست کرده‌بودند، پیشنهادهای مختلفی مطرح می‌شد. بعد از اینکه موضوع ایران جنبه بین‌المللی پیدا کرد و مسئله خیلی جدی شد، برای حل و فصل مسئله چرخه سوخت هسته‌ای در ایران، پیشنهادهایی مطرح می‌شد که انواع مختلف پیشنهادهای کنسرسیوم هم از جمله آنها بود. در همان دوران در پاسخ به نگرانی‌هایی که ایران در مورد پایداری تأمین سوخت نیروگاه‌هایش مطرح کرده‌بود و استدلال ایران که تولید بومی سوخت ناشی از بی‌اعتمادی به طرف‌های خارجی است، مزمه‌هایی در مورد تشکیل بانک بین‌المللی سوخت هسته‌ای مطرح شد. ساز و کار بانک بین‌المللی این بود که کشورها در این بانک عضو می‌شدند و همه اعضا به صورت تضمین‌شده سوخت مورد نیاز خود را برای نیروگاه‌های‌شان از این بانک سوخت هسته‌ای تأمین کنند. قرار بر این شد که یک بانک سوخت هسته‌ای در قزاقستان ایجاد شود و این نگرانی که تأمین‌کنندگان بین‌المللی سوخت، با استفاده از ابزارهای تحریم و بهانه‌های مختلف دسترسی کشورها را به سوخت هسته‌ای قطع کنند،

برطرف شود اما این پیشنهاد، به‌رغم ظاهر قانع‌کننده‌اش، خیلی هوادار پیدا نکرد، چراکه کشورهای مختلف از جمله ایران معتقد بودند که حتی اگر بانک سوخت هسته‌ای تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان ملل متحد هم فعالیت کند، باز هم کشورهای قدرتمند در صورتی که بخواهند مانع ایجاد کنند، دسترسی هر کشوری را به سهم خود از تولیدات بانک سوخت هسته‌ای قطع خواهند کرد. بعداً ثابت شد که این نگرانی‌ها بی‌پایه نبوده‌است. اساساً در مناسبات بین‌الملل این قدرت است که تعیین‌کننده است و نه قواعد و پروتکل‌هایی مانند بانک سوخت هسته‌ای. همین امروز در جنایاتی که در غزه رخ می‌دهد، به صورت زنده شاهد هستیم که تمامی قوانین، حقوق، معاهدات و پروتکل‌های بین‌المللی نقض می‌شود و حتی وجدان جهانی زیر پا گذاشته‌شده‌است، اما قدرت‌های جهانی به سادگی توانسته‌اند جلوی هر اقدامی برای توقف جنایات را بگیرند و اجازه دهند که این نقض واضح حقوق و قوانین بین‌المللی ادامه پیدا کند.

به هر تقدیر ایران و برخی کشورهای دیگر که اعتقاد داشتند باید بر تولید سوخت هسته‌ای حاکمیت داشته‌باشند، با این طرح چندان موافق نبودند، اما تعدادی کشورهای دیگر هم بودند که این طرح را می‌پسندیدند و نهایتاً قزاقستان به عنوان میزبان بانک سوخت انتخاب شد و در دوران مدیریت کل فقیه‌آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، آقای یوکیو آمانو، بانک سوخت قزاقستان افتتاح شد. البته چیزی که این بانک سوخت ارائه می‌داد، اورانیوم طبیعی بود.

«گفتید که ایران موافق با تشکیل بانک سوخت نبود؛ پیشنهاد جایگزین ایران چه بود؟

تشکیل بانک سوخت درست هم‌زمان با بالا گرفتن مباحث در مورد برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران بود، همان زمان ایران پیشنهادی مطرح کرد که یک کنسرسیوم تولید سوخت هسته‌ای بین‌المللی شکل بگیرد. پیشنهاد ایران این بود که با توجه به اینکه قزاقستان ذخایر عظیم اورانیوم دارد، ایران به عنوان یک حلقه از این کنسرسیوم بین‌المللی، اورانیوم طبیعی را از قزاقستان دریافت کند، در خاک ایران غنی‌سازی کند و اورانیوم غنی‌شده‌ای را که سطح غنای مناسب برای استفاده در نیروگاه هسته‌ای باشد، مجدداً به قزاقستان بازگرداند و از آنجا در اختیار کشورهای متقاضی سوخت هسته‌ای قرار گیرد. در مجموع پیشنهاد این بود که اورانیوم طبیعی قزاقستان به ایران بیاید و ایران اورانیوم را غنی‌سازی کند و به این کشور برگرداند و بانک سوخت قزاقستان به جای اینکه



علی‌اکبر صالحی، وزیر پیشین امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در این گفت‌وگو در مورد سابقه موضوع کنسرسیوم و مخالفت دائمی قدرت‌های جهانی با حاکمیت ایران در این فرآیند سخن می‌گوید و چند مثال از پیشنهادهایی که در دوران وزارت او و همچنین ریاستش بر سازمان انرژی اتمی برای تشکیل کنسرسیوم‌های بین‌المللی تولید سوخت هسته‌ای با مشارکت ایران مطرح شده‌است، بیان می‌کند. او معتقد است که طرح «مناره» همان ایده کنسرسیوم منطقه‌ای در یک جامه جدید است. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «هم‌میهن» را با علی‌اکبر صالحی، وزیر پیشین امور خارجه و رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی ایران مطالعه می‌کنید.

«ایده کنسرسیوم همکاری‌های هسته‌ای به چه زمانی باز می‌گردد؟

ایده کنسرسیوم از پیش از انقلاب وجود داشت و تقریباً از همان زمان که دکتر اکبر اعتماد، نخستین رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، اقدام‌های خوبی را برای تأسیس راکتورهای هسته‌ای در ایران انجام داد و می‌خواست با شرکت آمریکایی وستینگ‌هاوس برای تأسیس نیروگاه و بعد از آن هم گرفتن خدمات سوخت هسته‌ای قرارداد امضا کند. اما آمریکایی‌ها در آن زمان از همکاری با ایران در این زمینه خودداری کردند. به دلیل خودداری آمریکایی‌ها در همکاری با ایران در برنامه هسته‌ای و چرخه سوخت هسته‌ای، دکتر اعتماد تصمیم گرفت که به سمت شرکت‌های اروپایی برود و با شرکت کرافت‌ورک یونین آلمان و فراماتومه فرانسه قرارداد امضا کند. اما هم‌زمان با امضای این قراردادها مذاکرات با آمریکایی‌ها را نیز همچنان ادامه داد که تمرکز این مذاکرات، دستیابی به زنجیره تولید سوخت و ساخت مجتمع‌های تولید سوخت هسته‌ای در ایران بود.

آمریکایی‌ها خیلی مانع‌تراشی کردند، اما با پیگیری‌هایی که آقای دکتر اعتماد کردند، عاقبت بحث کنسرسیوم تولید سوخت هسته‌ای پیش آمد. پیشنهاد آمریکایی‌ها این بود که کنسرسیوم سوخت هسته‌ای خارج از خاک ایران باشد

و ایران فقط به عنوان یک عضو در چنین کنسرسیومی مشارکت داشته‌باشد. اما دکتر اعتماد این پیشنهاد را نمی‌پذیرفت و تأکید می‌کرد که چنین پیشنهادی نمی‌تواند اطمینان خاطر کافی به ایران بدهد و تأکید داشتند که مجتمع‌های تولید سوخت باید تحت حاکمیت